

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشتۀ جیمز کوگان - James Cogan

برگردان از: حمید محوی

۰۶ فبروری ۲۰۱۸

بشریت در آستانه جنگ جهانی

به گفته مجله اکونومیست



مجله اکونومیست The Economist، هفته نامه پر نفوذ لندنی که کارل مارکس در ۱۵۰ سال پیش آن را به مانند «ارگان اروپائی» برای «آریستوکراسی مالی» ترسیم کرده، آخرین شماره خود را به «جنگ آینده» «The Next War» و «تهدید فزاینده جنگ میان قدرت های بزرگ» «The Growing Threat of Great Power Conflict» اختصاص داده است. ستون اصلی مجله با هشدار ترسناکی آغاز می شود:

« در کوران ۲۵ سال گذشته، جنگ به بهای زندگی بسیاری تمام نشده است. با وجود این، در حالی که جنگ داخلی و مذهبی در سوریه، افریقای مرکزی، افغانستان و در عراق بیداد کرده است، برخورد ویرانگر بین قدرت های بزرگ جهان کمابیش پندار ناپذیر بر جا مانده است. »

« چنین موضوعی دیگر مطرح نیست [...] دگرگونی قدرتها و در دراز مدت در زمینه جغرافیای سیاسی و به همین گونه گسترش فن آوریهای نوین برتری نظامی فوق العاده ای که امریکا و همپیمانانش از آن برخوردار بوده اند را دچار ریزش کرده است. تصور جنگی به وسعت و شدتی که از دوران جنگ دوم جهانی هرگز تا کنون سابقه نداشته از این پس می تواند در پندارهای ما جای باز کند. ولی جهان آمادگی نشده است.»

اکنونمیست آینده مدینه فاسده خوشنوباری را پیشبینی کرده است که با گسترش ارتش امریکا برای واپس داشتن و ویران کردن به اصطلاح مدعیانی که همه جا فرادستی اش را تهدید می کنند آغاز خواهد شد.

در کوران ۲۰ سال آینده، اکنونمیست پیشبینی کرده است که « دگرگونی های آب و هوایی، رشد جمعیت و جنگ های فرقه ئی یا قومی » مستعد فرو بردن بخش مهمی از جهان در جنگهای « میان کشورها و یا داخلی » است. چنین جنگ هائی بیش از پیش در شهرهائی که با حلبی آبادهای پر جمعیت و میلیونی به محاصره درآمده به وقوع می پیوندد، و به « نبردهای نزدیک، محله به محله » می انجامد. آینده ای که برای بخش مهمی از بشریت پیشبینی شده همانی ست که در کشتار و نبردهای مرگبار سال گذشته در موصل شهر عراقی و حلب در سوریه دیدیم.

ولی نگران کننده تر از ترسیم ردیف سناریوهای مربوط به بالا گرفتن فزاینده تنش میان ایالات متحده امریکا، و روسیه و چین است. این سناریوها رقیب های ستراتیژیک را به شکلی روی صحنه به نمایش می گذارد که تحریکات آنان هر لحظه ممکن است به هولوکاست هسته ئی بینجامد.

در جولای ۲۰۱۶، خانه انتشاراتی مرینگ Mehring Books کتاب « جنگ در یک چهارم سده » (A Quarter Century of War) نوشته دیوید نورث David North را منتشر کرد :

« از نخستین جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱-۱۹۹۰، امریکا پیوسته در کوران یک چهارم سده در حال جنگ بوده است. با کار بست شعارهای تبلیغاتی مانند دفاع از حقوق بشر و جنگ علیه ترس افکنان برای پنهان کردن اهداف واقعی و مداخلاتش در خاورمیانه، آسیای مرکزی و افریقا و به همین گونه در رویارویی با روسیه و چین، امریکا در جنگی برای تضمین فرادستی اش در سطح جهانی بسیج شده است. در حالی که امریکا می کوشد تا ناتوانی اقتصادی اش را جبران کند و پاسخگوی تنش اجتماعی درونی باشد، بالا گرفتن دائمی عملیات نظامی خطر جنگ جهانی بین دولتهای دارنده جنگ افزار هسته ئی را افزایش داده است. »

کمتر از دو سال پس از انتشار این کتاب، بخش مهمی از این ارزیابی دیوید نورث در یکی از مهمترین مجله های سیاسی در جهان سرمایه داری انگلیس و امریکائی مطرح شد. ولی نتیجه گیری اکنونمیست، که از جایگاه نماینده خدشه ناپذیر الیگارشلی مالی و کارفرمایان بزرگی که ثروتمندان به تسلط جهانی امپریالیسم امریکا وابسته است سخن می گوید، کاملاً خلاف اهدافی ست که دیوید نورث برای کمک به راه اندازی و ساخت و ساز « جنبش نوین ضد جنگ » ترسیم کرده است. همان گونه که گفتیم، کاملاً به عکس، اکنونمیست امریکا را به گسترش « نیروی سخت » (hard power) برای دفاع در رویارویی با « رقیب های مصمم و نیرومند » تشویق کرده است، یعنی پندارهای ضد اجتماعی (به معنای دقیق نبود تعادل روانی که تمایل و ارتکاب به رفتارهای ضد اجتماعی از نشانه های بیمارناک آن است) که مبنی بر آن بهترین ضامن صلح توانائی امریکا در ویران کردن کامل رقیبانش می باشد.

شرط نخستین و نوید جستار ویژه این است که امریکا برای جلوگیری از فروپاشی فرادستی اش باید بی درنگ دست به کار شود و افزون بر این می گوید که اگر رهبران چینی و روسی مجاز هستند بلند پروازی شان را در مناطق خودشان نفوذ دهند و تسلط پیدا کنند، در این صورت نتیجه « قابل قبول » « رویارویی ویرانگر بین قدرت های بزرگ جهان » خواهد بود، جنگ جهانی با جنگ افزارهای هسته ئی.

مجله اکنونمیست در ستون اول ۲۷ جنوری اعلام کرده است که چین و روسیه « اکنون دولتهای رویزیونیستی هستند که می خواهند وضعیت حاضر را زیر سؤال ببرند و مناطق خودشان را فضای نفوذی و تسلط می پندارند. برای چین، چنین امری به معنای آسیای شرقی، و برای روسیه اروپای شرقی و آسیای مرکزی خواهد بود. »

نتیجه گیری اکونومیست بر این پایه است که امریکا باید به « ۲۰ سال انحراف ستراتیژیک » پایان بدهد که در کوران دولتهای پی در پی صورت گرفته، که گویا « در بازی روسیه و چین شرکت داشته است ». در یک سری جستار و گزارش ویژه توصیه می کند که برای کسب اطمینان از حفظ برتری نظامی که تا کنون « دشمنان را به ترس واداشته است » امریکا باید هزینه های هنگفت و سرسام آوری برای جنگ افزارهای هسته ای و کلاسیک خرج کند، افزون بر این در زمینه فن آوریهای هوش مصنوعی رباتیک.

و هشدار می دهد : « خطر بی درنگ جنگ در شبه جزیره کوریا، شاید امسال [...] ده ها هزار نفر از بین خواهند رفت، و بسیاری بیشتر اگر جنگ افزار هسته ای به کار برده شود. »

ارتش امریکا آماده راه اندازی چنین جنگی ست. امریکا بمب افکن های هسته ای ب ۲ و ب ۵۲ را در گوان در موضع گیری تهاجمی مستقر کرده، و صدها هواپیمای شکاری و ناوگروه های جنگی را نیز در پایگاه های دیگر در اقیانوس آرام آماده نگهداشته است. انگیزه های روشنی وجود دارد که به ما می گوید، رویارویی واشنگتن در تحریک جنگ علیه کوریای شمالی، با اعمال فشار روی پیونگ یانگ برای ترک برنامه هسته ای نظامی اش، پیشگفتار و تمرین عمومی و گسترده ای ست که باید به بازوی هسته ای آینده علیه چین تبدیل شود.

اکونومیست فکر می کند که « جنگ برای پیشگیری ایران در دستیابی به جنگ افزار هسته ای می تواند برای اینجا و اکنون در چشم انداز سوداگرانه مطرح باشد، ولی در چند سال دیگر احتمال بیشتری خواهد داشت. »

و بر این باور است که ایالات متحده امریکا در تهدید به اصطلاح « منطقه خاکستری » به سر می برد، یعنی جایی که چین، روسیه، ایران و کشورهای دیگر در جست و جوی « بهره برداری » از « نقاط ضعف » امریکا در برخی از بخش های جهان هستند، بی آن که تلاشهایشان به جنگ باز و آشکار بینجامد. اکونومیست برای نمونه از دعاوی سرزمینی چین در بحیره چین، ضمیمه سازی کریمه به دست روسیه و نفوذ سیاسی ایران در عراق، سوریه و لبنان یاد کرده است.

ولی مداخلات امپریالیسم امریکا از دیدگاه اکونومیست کاملاً قانونی ست. در سوریه، امریکا هفت سال برای دگرگونی و فروپاشی رژیم توطئه کرد که از سوی روس ها و ایرانی ها پشتیبانی می شود. اعلام خواست واشنگتن برای اشغال یک سوم کشور و گردآوری ارتش نیابتی ۳۰۰۰۰ نفره از شبه نظامیان کرد و اسلامگرا وضعیت را به وجود آورده است که نه فقط شرایط برخورد مستقیم با ایران و روسیه را فراهم آورده بلکه به همچنین با ترکیه نیز وضعیت تنش آمیزی به وجود آورده است، در حالی که این کشور معمولاً باید در چهار چوب پیمان ناتو جزء هم پیمانان امریکا باشد.

همانگونه که می توانستیم انتظار داشته باشیم، بر پایه اقدامات جنون آمیز امریکا و بین المللی که می خواهند روی انترنت کنترل دولتی و سانسور ایجاد کنند، مجله اکونومیست روسیه را متهم کرد که گوئی در جست و جوی « از بین بردن اعتماد نسبت به مؤسسات غربی بوده و با کاربست ربات رایانه ای و اوباش انترنتی شبکه های اجتماعی را برای تشدید نارضایتی و پیش دآوری جریانهای مردمی تحریک کرده است. »

مجله پافشاری می کند که شرکت های فن آور باید به ارتش بپیوندند، در حالی که شرکت های انترنتی نیز برای حذف افراط ورزی در دیدگاه های مخالف، به بهانه های دغلاکارانه مانند مبارزه علیه «کنش های نفوذی» و «به بیراهه کشاندن پندارهای همگانی» باید با دستگاه دولتی همکاری کنند.

اکونومیست در ادامه یادآور می شود که برای دولت امریکا که کسری بودجه سالیانه اش نزدیک به ۷۰۰ میلیارد دلار است « پیدا کردن پول مشکل دیگری خواهد بود. »

حقیقت این است که بسیج در همه زمین‌های اجتماعی برای تدارک جنگ با کاهش دائمی سطح زندگی و شرایط زیستی طبقه کارگر امریکائی تأمین مالی می‌شود، این روند را باید با حذف حقوق دموکراتیک و فشار روی مخالفان نیز ترکیب کنیم.

اکنون میست در یک هم صدائی ناخواسته در زبانی بر ساخته با الهام (ناخواسته و ناخودآگاه) از جرج اورول نتیجه گرفته است که «یک امریکای نیرومند»، تا به دندان مسلح که به شکل دائمی حریف هایش را به نابودی تهدید می‌کند، «بهترین ضامن صلح جهانی» است.

با وجود این، ترسناک‌ترین نکته در جستار اکنون میست، این است که با پیشبینی خودش مبنی بر این که امپریالیسم امریکا باید با تهدید حریف هایش را به فرمانبرداری و اداری کند، بد بین به نظر می‌رسد. زیرا گسترش این روند نظامی سازی در موضع تهاجمی بیش از پیش علیه چین و روسیه به کار بسته می‌شود و نه فقط به «صلح جهانی» نمی‌انجامد بلکه احتمال جنگ را نیز کاهش نمی‌دهد و به افزایش احتمال آن می‌انجامد.

«بزرگترین خطر»، اکنون میست می‌گوید، «اشتباه محاسباتی در نبود درک مقاصد دشمن است که به بالا گرفتن رویداد پیشبینی ناپذیری می‌انجامد که از هر گونه کنترولی نیز می‌گریزد».

بالاگرفتن رویداد پیشبینی ناپذیر یعنی حرکتی که از کنترل خارج شده و به هولوکاست هسته‌ئی خواهد انجامید. در این جستار از تام پلانت تحلیل گر اتاق فکری RUSI به نقل آورده شده است که: «برای روسیه و امریکا، جنگ افزار هسته‌ئی نخستینگی خود را نگهداشته است. برای درک این موضوع شما تنها کافی ست ببینید چگونه پولهایشان را خرج می‌کنند».

امریکا در پی مدرنیزاسیون انبار هسته‌ئی اش در کوران دهه‌های آینده به حجم ۱۲۰۰ میلیارد دلار است. روسیه راکتها، بمب افکنها و زیر دریائی‌های هسته‌ئی اش را مدرنیزه می‌کند. چین نیز مانند انگلستان و فرانسه با شتاب توانائی هسته‌ئی خود را که ناچیزتر است افزایش می‌دهد. مذاکره‌هائی در دایره رهبران آلمان، جاپان و حتا استرالیا در جریان است که آنان نیز بتوانند برای پایداری در برابر دولتهائی که جنگ افزار هسته‌ئی در اختیار دارند چنین جنگ افزاری را در اختیار داشته باشند.»

جنون رقابت در جنگ افزارهای هسته‌ئی در سده بیست و یکم به شکل اجتناب ناپذیری از تضادهای نظام سرمایه داری منشأ می‌گیرد. مبارزه میان امریکا و رقیب هایش در زمینه جغرافیای سیاسی و اقتصاد جهانی حاصل ناگزیر بحران مدیریت ناپذیر و جنگ جنون آمیز برای کنترل بازارها و منابع است.

انقلابی مارکسیست، ولادیمیر لنینت نوشته است که دوران جنگ جهانی دوران انقلاب جهانی ست. واژگونی نظام سرمایه داری که به خطر جنگ دامن می‌زند یک ضرورت بی‌درنگ برای ماندگاری تمدن بشریت است.

کمیته بین المللی انترناسیونال چهارم و بخش هایش برای ساخت و سامان جنبش کارگری سوسیالیسم بین المللی ضد جنگ می‌کوشد. مذاکرات باز درباره چشم انداز جنگ هسته‌ئی در برگ‌های مجله‌هائی مانند اکنون میست باید برای کارگران و جوانان جدی انگیزه ای باشد برای پیوستن به صف مبارزه ما.

www.sws.org La source originale de cet article est

© Copyright www.sws.org, 2018

لینک متن اصلی :

<https://www.mondialisation.ca/lhumanite-au-bord-de-la-guerre-mondiale/5622804>

گاهنامه هنر و مبارزه/پاریس ۵ فیبروری ۲۰۱۸

مرکز پژوهش های جهانی، ۰۲ فیبروری ۲۰۱۸

[James Cogan](#)Par

Mondialisation.ca, 02 février 2018